



معرفت‌شناسی دینی به توصیف معارف دینی می‌پردازد

حجت الاسلام مجتبی مصباح در کارگاه معرفت‌شناسی دینی با بیان اینکه موضوع معرفت‌شناسی دینی، معرفت دینی است نه خود دین گفت: معرفت‌شناسی دینی به توصیف معارف دینی می‌پردازد.

حجت الاسلام مجتبی مصباح در کارگاه معرفت‌شناسی دینی با بیان اینکه موضوع معرفت‌شناسی دینی، معرفت دینی است نه خود دین گفت: معرفت‌شناسی دینی به توصیف معارف دینی می‌پردازد.

به گزارش خبرنگار مهر، کارگاه معرفت‌شناسی دینی با ارائه حجت الاسلام والمسلمین دکتر مجتبی مصباح، ۹ آذرماه در مجمع عالی حکمت اسلامی مشهد برگزار شد.

مصباح در ابتدای این نشست با بیان اینکه معرفت‌شناسی دو گونه است؛ عام و خاص، گفت: نوع اول نظریه پردازی درباره معرفت را وجهه همت خود قرار داده است. معرفت‌شناسی عام به معرفت خاصی نظر ندارد، بلکه اصل معرفت را می‌کاود، چنان که فلسفه، اصل هستی را محور مسائل خود قرار داده است، نه هستی خاص را.

وی افزود: اگر معرفت‌شناسی، از معرفت در حوزه ای خاص سخن به میان آورد، معرفت‌شناسی خاص بوده که طبعاً از نوع معرفت‌شناسی پسینی است. برای مثال معرفت‌شناسی علمی؛ به معارف علمی (فلسفه علم) و معرفت‌شناسی عرفانی؛ به معرفتها و تجارب عرفانی و معرفت‌شناسی دینی؛ به باورها و عقاید دینی می‌پردازد.

این محقق و نویسنده کشورمان اظهارداشت: موضوع معرفت‌شناسی خاص یا معرفت‌شناسی مضاف، معرفت‌هایی است که در جغرافیای خاصی مطرح می‌شوند. این گونه معرفت‌شناسی، پسینی بوده و معرفت درجه دوم تلقی می‌شود. صفت پسینی؛ در اینجا به معنای پس از معرفت است؛ یعنی مسبوق به معرفت‌های دیگران که به نوعی به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد و منظور از آن، پس از تجربه که اصطلاح کانتی است، نیست. این اصطلاح خاص است.

وی با بیان اینکه معرفت‌شناسی عام، علم تولیدکننده است و معرفت‌شناسی مضاف مصرف‌کننده است، تصریح کرد: مانند نسبتی که میان فقه و اصول فقه، یا عصب‌شناسی و پزشکی، یا ریاضیات و اقتصاد وجود دارد. معرفت‌شناسی عام محل نظریه پردازی است و در معرفت‌شناسی مصرف‌کننده آن نظریه‌ها و دیدگاه‌ها به خورد حوزه‌های خاص معرفتی داده می‌شود. اگر نظریه‌های معرفت‌شناختی خاص، واری واریه‌های درهم تنیده آنها از هم جدا شود، از اصولی سر در می‌آوریم که در مباحث عام معرفت‌شناختی مطرح می‌شود؛ بنابراین معرفت‌شناسی عام آغاز راه است و مقصد معرفت‌شناسی خاص.

مصباح در ادامه سخنانش اظهار داشت: معرفت‌شناسی خاص یا مضاف سه شاخه را در بر می‌گیرد؛ معرفت‌شناسی علمی، معرفت‌شناسی عرفانی، معرفت‌شناسی دینی؛ و یکی از شاخه‌های معرفت‌شناسی مضاف است که از قواعد عام معرفت پیروی می‌کند؛ معرفت‌شناسی دینی درصدد توجیه باورها، عقاید و معارف دینی است.

وی تأکید کرد: به بیان دیگر موضوع معرفت‌شناسی دینی، معرفت دینی است نه خود دین. آن‌گاه که این دین به فهم انسان درآمد، معرفت‌شناسی دینی به صحنه می‌آید و به بازشناسی قواعد و احکام فهم‌ها و معارف دینی می‌پردازد. معرفت‌شناسی دینی، توجیه عقلانی آموزه‌های دینی است؛ معرفت‌شناسی دینی نگاهی است از بیرون، به آنچه در حوزه معرفت دینی می‌گذرد. متعلق معرفت‌شناسی دینی، نه دین است، نه ایمان و نه باور دینی، بلکه فقط معرفت دینی است که عالمان و اندیشمندان دینی بدان نایل شده و از دین بر گرفته اند.

وی افزود: معرفت دینی خود شاخه‌های تنومندی دارد؛ فقه، فلسفه، کلام، تفسیر و ... همه بخش‌هایی از معرفت دینی هستند که در اعصار متوالی به فهم علمای دین در آمده‌اند. عالم دینی در پی فهم و کسب معرفت دینی است. او اندوخته و حاصل کار خود را در اختیار معرفت‌شناسی دینی قرار می‌دهد. پس معرفت‌شناسی دینی از نوع معرفت‌های درجه دوم است؛ یعنی خود معرفتی ناظر به معرفت دیگر است که از اوصاف و احوال آن گزارش‌گری

می‌&ZWNJ;کند. معرفت شناسی دینی بر سر سفره معارف دینی نشست است و از آن تغذیه می‌کند؛ بنابراین مسبوق به آنهاست .

این استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: معرفت شناسی دینی پس از تولد معرفت دینی زاده می‌شود و نگاهی است از بیرون و از بالا، به معارف دینی. معرفت شناسی دینی خود را درون یک حوزه معرفت دینی محصور و خلاصه نکرده، جهانی فراخ&ZWNJ;تر از یک حوزه یا دو حوزه از معارف دینی دارد؛ جهان او مساوی است با کل جهان معارف دینی .

وی با اشاره به اینکه معرفت شناسی دینی به توصیف معارف دینی می‌پردازد، گفت: یعنی می‌کوشد همان را که در دنیای معارف دینی اتفاق افتاده است، تحلیل کند و از کاروان بزرگ و شتابان فهم دینی گزارش دقیق و صحیحی ارائه دهد . او نیز به کرسی داوری می‌نشیند که این خود از معیارهای خاصی در معرفت شناسی دینی معاصر پیروی می‌کند .

وی با بیان اینکه محور معرفت شناسی دینی گزاره‌ها و آموزه‌های دینی است، اظهارداشت: در این میان، اعتقاد به خدا از حساسیتی ویژه برخوردار است؛ «آیا باور به وجود خدا امری معقول است؟» این پرسش از مهم‌ترین دغدغه‌های همه انسان‌ها است . پاسخ به این پرسش، چه مثبت و چه منفی، در اینکه فهم ما از جهان باید چگونه باشد، چگونه زندگی کنیم و اینکه چگونه عمل نماییم، تاثیری ژرف دارد؛ اگر بگوییم پرداختن به سؤال مزبور برای انسان به عنوان موجودی عاقل یک وظیفه است، اغراق نکرده ایم .

مصباح گفت: اگر کسی معتقد شود که باور به خدا، امری عقلانی است، باید بکوشد معنا و غایت و حیات انسانی را آن گونه که خواست خدا است، درک کند و اگر به خدا بی‌اعتقاد شود، باز هم باید به لوازم و توابع این عقیده تن در دهد. با این فرض، زندگی انسانی در درون همین جهان شکل می‌گیرد . همه چیز و همه حوادث و حتی کل جهان، نتیجه یک تصادف و احتمال محض خواهد بود و در نهایت این برداشت به اخلاق، قانون و دیگر حوزه‌های حیات بشری سرایت می‌کند .

وی تصریح کرد: با توجه به اهمیت و تاثیر فراوان این مسئله، فلاسفه از آغاز تا کنون، هر یک به نحوی به بحث در مسئله «وجود خدا» پرداخته‌اند . فلاسفه علی‌رغم دیدگاه‌ها، نظریات، ادله و شیوه‌های متفاوتی که داشته‌اند، همگی به دشواری و پیچیدگی چنین مباحثی اقرار کرده‌اند. محور تلاش‌های فیلسوفان و اندیشمندان مسائل دینی و دین‌پژوهان در اعصار متوالی و متمادی، مسئله «توجیه باور به خدا» بوده که از مسائل و ارکان مهم معرفت شناسی دینی است.